



ضریح ساده

(مجموعه شعر)

گزیده اشعار مذهبی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۶

حمیدرضا شکارسری



شعر

تهران - ۱۳۸۷

سرشناسه	شکارسری، حمیدرضا، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	ضریح ساده (مجموعه شعر): برگزیده اشعار مذهبی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۶ / حمیدرضا شکارسری.
مشخصات نشر	تهران: علم، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	۱۲۸ ص.
شابک	978 - 964 - 405 - 920 - 9
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا.
موضوع	شعر فارسی - - قرن ۱۴.
موضوع	شعر مذهبی - - قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۷ ض ۴۲۴ ک/۱۲۳ PIRA
رده‌بندی دیوبی	AG۱/۶۲:
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۸۰۲۳۶:



ذخیره

ضریح ساده (مجموعه شعر)

حمیدرضا شکارسری

چاپ اول، ۱۳۸۷

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر

چاپ: جاووشگران نقش

خیابان انقلاب - بین خیابان فخررازی و دانشگاه شماره ۱۳۵۸ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۹ - ۹۲۰ - ۴۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۲۶۵۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	دو رباعی
۱۲	نام تو
۱۳	راز
۱۴	آفتاب برخاک
۱۵	دویتی
۱۶	طرح
۱۷	دویتی
۱۸	مدفن بی نشان
۱۹	رباعی
۲۰	رباعی
۲۱	معما
۲۲	تا ابد
۲۴	خرمای تلخ
۲۵	دو رباعی
۲۶	غروب
۲۷	نفرین

۲۸	طرح
۲۹	چگونه در غزل
۳۰	باز جمعه‌ای گذشت
۳۲	پرواز
۳۳	ناله فرشته
۳۴	بغض
۳۵	سفر سوخته
۳۷	بی یاس، بی عباس
۳۸	ظهور
۴۰	دریا بر سر دست
۴۲	ستایش‌ها
۴۹	آخرین سرباز
۵۱	در کنار تو
۵۲	اشاره
۵۳	رباعی
۵۴	کاروان
۵۶	کاروان می‌گذشت
۵۸	شهادت
۵۹	یکی از همین جمعه‌ها
۶۱	فتح زمین
۶۳	بهاریه
۶۵	اسطوره‌ی احساس
۶۷	امید زمین
۶۹	پیشواز
۷۱	تنهاترین عاشق

۷۲	پناه
۷۴	راه روشن
۷۵	سه رباعی
۷۷	زلزله
۷۸	جست و جو
۷۹	کبود
۸۰	تکثیر
۸۱	رباعی
۸۲	آفرینش
۸۴	تا کر بلا و
۸۶	علت
۸۷	بازگشت
۸۸	ضریح ساده
۸۹	در شام خرابه
۹۱	شوق تو اگر
۹۳	اشتباه
۹۶	جا مانده
۹۸	مقصد
۹۹	اشاره‌ی نیزه
۱۰۰	نباید
۱۰۲	بر موج آهو
۱۰۴	ناممکن
۱۰۶	اسطوره
۱۰۸	کل یوم
۱۰۹	شام غریبان

۱۱۱	آسمان زیر ابرها
۱۱۲	تأسف
۱۱۳	تا صبح
۱۱۴	تاخیر
۱۱۵	دل‌داری
۱۱۶	بلیط بی برگشت
۱۱۸	لبخند بزرگ
۱۱۹	نامرد
۱۲۰	سبقت
۱۲۱	خوشبختی
۱۲۲	گم
۱۲۳	هوای جرم
۱۲۴	شهادت
۱۲۵	حسادت
۱۲۶	برآبی گوه‌رشاد
۱۲۷	امتداد تو

مقدمه

«شاعر آن نیست که اشیا را می نامد. شاعر اوست که نام اشیا را حذف می کند.» (اکتاویوپاز)

شعر بر شانه های غیاب ایستاده است. شعر در حقیقت، نگفتن است. شعر در غیاب گفتن شکل می گیرد. اما زبان می خواهد حاضر کند. زبان، در حقیقت، گفتن است. زبان در حضور گفتن شکل می گیرد. و اگر شعر، در زبان به منصه ظهور می رسد، با این پارادکس چه باید کرد؟ شعر می گوید یا نمی گوید؟ اگر می گوید، چه و چگونه می گوید و اگر نمی گوید، پس با زبان چه نسبتی پیدا می کند؟ آیا بهتر نیست همین اول کار، نصیحت «نظامی» را آویزه گوش کنیم و به موضوع نیبچیم و همه چیز را فراموش کنیم؟

در شعر مپیچ و در فن او

چون اکذب اوست احسن او

متن شعری به واقع فریب می دهد. در نگفتن می گوید و در غیاب

حاضر می کند. به قول مرحوم «گلشیری»:

«شاعر به هدف نمی زند. آگاهانه به کنار هدف می زند تا مخاطب

خود هدف را بیابد.»

پس شعر هم می‌گوید، اما به گونه‌ای خاص و متفاوت با زبان، طرح موضوع می‌کند. شعر هم رسانه است، اما آن‌چه می‌گوید، با زبان خودکار و عمل‌گرا و معنارسان متفاوت است و آن چنان هم نمی‌گوید که گونه‌های دیگر زبانی.

آن‌چه در این بین باعث افتراق شعر و غیرشعر (نثر) می‌شود، در واقع تکنیک و شگردهای زبانی در قالب صور خیال است که با حضور خود، متن شعری را هویت می‌بخشد. هویتی متفاوت در درون زبان که لاجرم به درجه یا درجاتی از خود ارجاعی و سرانجام، به خودبستگی متن می‌انجامد.

شعر در این میان، موقعیتی خطیر می‌یابد. شعری که به واقع باید بگوید و نمی‌تواند مانند نحله‌های پرشمار شعری این روزگار، در ورزهای زبانی و خود ارجاعی مطلق، خلاصه و تمام شود و از سوی دیگر، می‌داند که بدون درجه یا درجاتی از خود ارجاعی و خودبستگی که لازمه هر متن شعری است، در واقع شعریت خود را به خطر انداخته است.

پس تکنیک شعر، برای نامگذاری تازه و بازآفرینی جهان خارج از خود که همان موضوعات است، به کار می‌رود و می‌کوشد به تعادلی شایسته بین صنایع ادبی (اعم از صوری و معنایی) و مفاهیم مذهبی (در اشعار مذهبی) برسد، شعری در گرانیگاه فرم و محتوا یا تکنیک و اندیشه.

قضاوت در این مورد که اشعار این مجموعه، آیا به این تعادل رسیده‌اند یا چقدر به آن نزدیک شده‌اند به عهده منتقدان و مخاطبان گرامی است. اما صاحب این قلم حداقل امید دارد، اشعار این کتاب طی نزدیک به دو دهه، روندی رو به سمت این تعادل داشته باشند. به همین دلیل اشعار براساس تاریخ سرایش درج گردیده‌اند.



هم اکنون وصیت می‌نمایم نسخه‌ای از این کتاب پس از مرگم، در کفن حقیر نهاده شود تا اگر سر سوزن ارزشی نزد اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دارد، باعث شفاعت این بنده گناهکار توسط این بزرگواران نزد حضرت حق در روز رستاخیز گردد.

حمیدرضا شکارسری